

## عنوان مقاله

سید محمد مهدی حسینی پور<sup>۱\*</sup>، محمد مهدی صادقی<sup>۲</sup>

۱- دانشجو ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

دانشگاه قم

\* mm.hosseiniipoor@stu.qom.ac.ir

۲- کارشناسی علوم تربیتی

دانشگاه فرهنگیان

m.mahdi.sadeghi۲۰@gmail.com

## چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه علم و عمل در رشد و تعالی فرد و جامعه از دیدگاه نهج البلاغه است. روش پژوهش توصیفی و از نوع بررسی اسنادی است. پژوهش حاضر با بررسی نهج البلاغه به عنوان جامع ترین کتاب بعد از قرآن کریم صورت گرفته و تمام حکایت و خطبه های مربوط به علم و عمل جمع آوری و به صورت موردی مورد تفسیر قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می دهد که امام علی (علیه السلام) مانند تمام ائمه تأکیدی ویژه ای روی همراهی علم و عمل دارند و ایشان همواره علمی را مفید می دانند که به آن عمل شود. همچنین با مطالعه نهج البلاغه می توان دریافت امام (علیه السلام) هیچگاه عمل را از علم جدا نمی دانند. به این صورت که ایشان عملی را درست می داند که از مبنای علمی خداپاورانه ناشی شده باشد. امام علی (علیه السلام) سعادت عالم را در عمل او می داند و در فرازی می فرمایند که عالمی که به دانسته های خود عمل نمی کند بسیار پست تر از جاهل عادی است. از این فراز به روشنی می توان دریافت که عالم، زمانی که علمی را فرا گرفت، مسئولیت دارد با عمل به آن باعث انتشار آن در جامعه شود و مردم همواره با تطابق اعمال افراد به گفته هایشان به آن ها اعتماد می کنند و با آن ها هم مسیر می گردند. جامعه ای در مسیر رشد و تعالی قرار می گیرد که تمام افراد از بلند پایه ترین تا پایین ترین جزء به گفته های صحیح خود عمل کنند. عمل نکردن به معرفت و صحبت ها باعث بی اعتمادی مردم به یکدیگر می شود، بنابراین در جامعه متعالی همواره هرکس باید به اندازه معرفتی که دارد در جهت عمل به آن تلاش کند.

## کلمات کلیدی:

واژگان کلیدی: علم، عمل، نهج البلاغه، امام علی (علیه السلام) رشد فردی، رشد جمعی.

## ۱- مقدمه

علم و عمل لازم و ملزوم یکدیگرند و هریک سبب رشد دیگری و تحقق مرتبه کمال تری از آن برای انسان می شود. اگر به لحاظ ارزشی بنگریم علم برتر از عمل است، زیرا در مرحله ابتدایی علم سبب عمل است به گونه ای که در نبود، نظر عمل بی معنی است و در مراتب بالاتر غایت عمل معرفت است و مقدمه و مقوم نظر عمل است که موجب رفع حجاب های درونی و بیرونی می شود. همواره در آموزه های دینی علم همراه با عمل آمده است و این دو هیچگاه از هم جدا نبوده اند. علم راستین باعث ایجاد نگرش صحیح در انسان گردیده که همین نگرش صحیح باعث دستیابی انسان به هستی شناسی خدا پاورانه می گردد و اگر این هستی شناسی همراه با عمل نشود موجب می گردد در بعد دانش نظری باقی مانده و هیچگاه نمود آن در جامعه دیده نشود، به صورت دیگر می توان بیان داشت که علم بدون عمل به مثابه ی درختی بدون ثمر است. البته به این نکته باید اشاره داشت علمی که در آموزه های دینی مورد بحث قرار گرفته است علم راستین است که انسان را به خداوند نزدیک کرده و موجب رضایت او گردد، این علمی است که واجب است به آن عمل گردد. امروزه با افزایش جمعیت و همچنین گرایش بیشتر مردم به سمت آموختن و علم، ضروری است که اهمیت رابطه علم و عمل برای افراد جامعه تبیین و روشن گردد. اگر رابطه این دو به درستی برای مردم جامعه تبیین گردد می توان رشد را در افراد جامعه و همچنین در ابعاد گسترده تر در

# هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش  
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان  
مديريت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

کل جامعه مشاهده کرد. برای آنکه بتوان نگرش صحیح در این موضوع به افراد جامعه داده شود نیازمند منبع معتبر و راستین است که همواره بتوان از آن در جهت پیشبرد و رشد استفاده کرد و تمام جوانب زندگی بشر را نیز شامل شود. بی‌تردید نهج‌البلاغه، جامع‌ترین کتاب پس از قرآن است که می‌تواند راهنمای انسان در تمام ابعاد زندگی به شمار آید و هدایت بشر را در عرصه‌های گوناگون عهده‌دار شود. یکی از ویژگی‌های نهج‌البلاغه، جامعیت در پرداختن به نیازهای مختلف بشر است. نهج‌البلاغه مانند قرآن، یک کتاب سبک زندگی است و جامعه ما همان‌گونه که به آموزه‌های قرآن نیاز دارد، به معارف نهج‌البلاغه نیز محتاج است. مقام معظم رهبری در یکی از بیانات خود می‌فرماید: «نهج‌البلاغه در همه بخش‌هایی که برای یک انسان کامل و برای یک جامعه انقلابی کامل لازم و ضروری است، بهترین و وافی‌ترین مطالب را ارائه می‌دهد.» (رهبری، ۱۳۵۹). به همین دلیل در این پژوهش از کتاب نهج‌البلاغه به عنوان کتابی که منتخبی از خطبه‌ها، وصایا، دعاها، حکمت‌ها، و نامه‌های امیر المؤمنین علیه السلام توسط سید رضی در آن جمع آوری شده است مورد استفاده قرار گرفته است.

## ۲- هدف پژوهش

بررسی رابطه علم و عمل در رشد و تعالی فرد و جامعه از دیدگاه نهج‌البلاغه

## ۳- ضرورت و اهمیت پژوهش

با گسترش علم و دانش در سطح جوامع بشری انسان همواره بین یک دو راهی عمل کردن و عمل نکردن به آنچه آموخته قرار گرفته است. از جهتی دیگر برخی انسان‌ها فقط در بعد و سطح دانش آموخته شده قرار می‌گیرند و خود را فقط مکلف به دانستن می‌کنند. اگر علم انسان با عمل همراه نگردد چه نفاوتی بین انسان دانا و نادان وجود دارد؟ اگر رابطه علم و عمل به درستی آشکار و تبیین نگردد انسان همواره در این دوراهی خواهد ماند و نمی‌تواند به درستی علم خود را در اجرا و عمل مشاهده کند. انسان همواره علاقه به کسب علم دارد و در جهت دستیابی به آن حرکت می‌کند و وقتی به آن دست پیدا کرد، نمی‌داند با آن چه کند. به همین دلیل باید برای افراد جامعه مشخص شود که این علم باید همراه با عمل شود تا بتواند انسان را رشد و تعالی دهد و اگر هر کدام از آن‌ها تنها باشد، دیگری هیچ ارزشی ندارد. امام علی علیه السلام: "رَبِّ عَالَمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ وَ عِلْمُهُ مَعَهُ لَا يَنْفَعُهُ" بسا چه بسیار دانشمندی که جهلش او را کشته، در حالی که علمش با اوست؛ اما به حالش سودی نمی‌بخشد (حکمت ۱۰۷). از این فراز می‌توان دریافت، عالمی که علمش همراه با عمل نباشد همانند جاهل است و همین جهالت باطنی باعث نابودی مادی و معنوی او می‌گردد و از این فراز به خوبی می‌توان اهمیت عمل در کنار علم را متوجه شد. نمود بیرونی علم و دانش انسان، آن عملی است که از او سر می‌زند. حال اگر انسان علم کافی و راستین داشته باشد و به آن علم راستین نمود بیرونی ندهد به مثابه همان درختی است که هیچ ثمری ندارد و چه بسا همان علمی که به دانستن آن افتخار می‌کند باعث نابودی او گردد. در جامعه بشری امروز، عالمان و دانشمندان زیادی در زمینه‌های مختلف وجود دارند که فقط به ارائه نظریه‌هایی بدون پشتیبان عملی بسنده می‌کنند، در صورتی که این نظریه‌ها باید قابلیت اجرا داشته باشند و نتایج آن‌ها را در جامعه مشاهده کرد. به همین دلیل اهمیت این موضوع دو چندان می‌گردد که انسان‌ها باید زمینه‌ی اجرای علوم را فراهم کنند و این علوم نیز باید انسان را به هدف اصلی خود یعنی تقرب الهی نزدیک کند. چه بسا علومی مانند بمب هسته‌ای که به عرصه اجرا رسیدند و هیچ سنخیتی با هدف اصلی آفرینش، یعنی قرب و رضای خداوند نداشته و ندارند و باعث خشم الهی می‌گردند. بر همین اساس اول از همه انسان باید دنبال علم حقیقی و مورد رضای خداوند باشد و پس از کسب آن به دنبال اجرای آن باشد.

# هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش  
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان  
مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

## ۴- حرکت همراه با علم

در اسلام یکی از چیزهایی که در تعداد زیادی از آیات به آن اشاره شده است علم و دانش است. بصورتی که در یکی از آیات، یکی اهداف رسالت انبیا، تعلیم و تعلم بیان شده است: «ووست که در میان مردم بی‌سواد، پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و آنان را [از آلودگی‌های فکری و روحی] پاکشان کند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد و آنان به یقین پیش از این در گمراهی آشکاری بودند» (سوره جمعه آیه ۲). اهدافی که در این آیه شریفه بیان شده‌اند تماماً بازگشت به علم و آگاهی انسان‌ها می‌کند؛ یعنی خداوند در مرحله اول، انبیا و اولیای الهی را فرستاده تا فهم و آگاهی انسان را نسبت به خالق و... بالا ببرند و از گمراهی در آورند. قرآن راه کسب علم حقیقی را به این صورت بیان کرده است: «و آنان که در (راه) ما (به) جان و مال) جهد و کوشش کردند محققا آنها را به راه‌های (معرفت و لطف) خویش هدایت می‌کنیم، و همیشه خدا یار نیکوکاران است.» (سوره عنکبوت، آیه ۶۹). بنابراین اگر انسان در راه خدا قدم بردارد حتما به علم حقیقی دست پیدا خواهد کرد که این علم، همان علمی است که همواره جامعه بشری بدان نیاز داشته و دارد. این مسیر پستی و بلندی‌های بسیاری دارد که انسان با توکل به خداوند می‌تواند همه آن‌ها را پشت سر بگذارد و به معرفت خدا دست پیدا کند. همچنین خداوند در این آیه وعده داده است که اگر کسی در این مسیر قدم بردارد، بی شک به معرفت او افزوده می‌شود. امام علیه السلام در حکمت ۴۵۷ نهج البلاغه می‌فرماید: دو گرسنه اند که سیر نمی‌شوند؛ طالب علم و طالب دنیا. انسانی که به دنبال علم راستین حرکت کند و به آن در زندگی خود عمل کند هیچگاه در این مسیر متوقف نشده و از راه پیموده شده پشیمان نمی‌گردد. اما انسان طالب دنیا شاید در این دنیا به یک رفاه نسبی دست پیدا کند که آن هم همراه با آرامش نیست اما بی شک در دنیای آخرت جزء افراد پشیمان خواهد بود. همانطور که در آیات ۱۱ الی ۱۴ سوره انبیا ذکر گردیده است: "کسانی که گرفتار رفاه و بدمستی آسایشی می‌شوند، گرفتار ندامت خواهند شد. رفاه‌طلبی ظالمان، عامل ندامت آنان، هنگام مشاهده عذاب است که دیگر سودی ندارد"

امام علی علیه السلام در خطبه ۱۵۴ نهج البلاغه می‌فرماید:

"العامل بالعلم کالسائر علی الطریق الواضح، فلینظر ناظرًا سائرًا هو أم راجعًا": آن کس که از روی آگاهی عمل می‌کند همچون رهروی است که در جاده روشن گام بر می‌دارد (و به زودی به مقصد می‌رسد). حال که چنین است هر شخص باید بنگرد آیا (به سوی مقصد) پیش می‌رود یا به عقب باز می‌گردد؟! (خطبه ۱۵۴).

از این خطبه می‌توان دریافت که امیر المؤمنین علیه السلام شرط پیروزی را سه چیز می‌دانند که هر سه از شاخه‌های علم و دانش است. اندیشیدن در اصل کار و عمل کردن با بصیرت و آگاهی و مطالعه درباره نتیجه آن کار که آیا به سود او است یا زیانش؟ (م. شیرازی، ۱۳۹۵). علم و دانش، در اجرای عمل نیز نقش عمده‌ای دارد، به‌گونه‌ای که عمل آگاهانه و با معرفت، بسیار برتر و بالاتر از عملی است که با جهل انجام شود؛ لذا در برخی از روایات آمده است که لازمه قبول کردن عمل در نزد خداوند، معرفت بدان است و همچنین معرفت بدون عمل نیز مورد قبول نیست: «هیچ عملی قبول نمی‌شود، مگر اینکه با معرفت و شناخت همراه باشد و هیچ معرفتی قبول نمی‌شود، مگر اینکه با عملی همراه بوده باشد، کسی که معرفت داشته باشد، معرفت، او را به سمت عمل هدایت می‌کند و کسی که تهی از معرفت باشد، هیچ عملی برای او نیست» (مجلسی، ۱۴۰۴ق). در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «مَنْ عَمِلَ عَلَىٰ غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يَصْلِحُ؛ کسی که بدون آگاهی عملی انجام دهد آن چه را خراب می‌کند بیش از آن است که آباد می‌کند» (کلینی، ۱۳۷۹)، بنابراین انسان اگر در ابتدای مسیر بدون آگاهی و علم کافی قدم بردارد بدون شک در ادامه مسیر دچار مشکل و لغزش می‌گردد که این لغزش می‌تواند به ضرر او در دنیا یا آخرت تمام شود.

# هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش  
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان  
مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

امام علی علیه السلام: " لا تجعلوا علمکم جهلاً، و یقینکم شکاً، اذا علمتم فاعملوا، و اذا تیقنتم فأقدموا" علم خویشتن را جهل، و یقینتان را شک قرار ندهید، آنگاه که عالم و آگاه شدید عمل کنید و زمانی که یقین کردید اقدام نمایید (تا علم و یقین شما پایدار بماند) (حکمت ۲۷۴). عمل بدون پشتوانه و مبنای صحیح، مشخص نیست سرانجام درستی داشته باشد. این علم و یقین است که به عمل انسان جهت می دهد و عمل او را تنظیم می کند. علم به انسان کمک می کند تا عمل صحیح را برگزیند و در جهت اجرای آن قدم بردارد. انسان اگر شک و تردید داشته باشد، یا در مسیر رسیدن به هدف دچار مشکل می شود و یا در سرانجام به نتیجه مطلوب نمی رسد. به طور مثال فردی که احتمال می دهد در فصل زمستان در جاده ای برف می آید، اما با یقین از برداشتن زنجیر چرخ ممانعت می کند، اگر در جاده برف سنگینی بیارد حتما نتیجه یقین نادرست خود را خواهد دید. نباید فراموش کرد که علم صحیح و عمل صالح لازم و ملزوم یکدیگرند و هر کدام به تنهایی معنایی ندارند.

امام علی علیه السلام به کمیل بن زیاد فرمود: مردم سه گروهند: علمای ربانی، دانش طلبان در طریق نجات و احماق بی سر و پا و بی هدف که دنبال هر صدایی می روند و با هر بادی حرکت می کنند؛ آنهایی که با نور علم روشن نشده و به ستون محکمی پناه نبرده اند (حکمت ۱۴۷). از این فراز به روشنی می توان دریافت که انسان با علم خود می تواند در مسیر صحیح حرکت کند و اگر بدون آگاهی و علم قدم بردارد به طور حتم در این مسیر، جهت اصلی خود را فراموش کرده و از یاد خدا غافل می گردد. این یقین درست و حقیقی است که او را در مسیر ثابت استوار می گرداند.

همان طور که در روایت شریف هست که: «العلم یهتف بالعمل فان اجاب و آلا ارتحل»؛ علم، عمل را به دنبال خود فرا می خواند، دعوت می کند. اگر عمل به دنبال علم آمد، آن وقت علم می ماند، باقی می ماند - یا شاید بشود گفت توسعه پیدا می کند، رشد پیدا می کند. اگر عمل به دنبال علم نیامد، علم هم باقی نمی ماند. «و آلا ارتحل»؛ عمل که نبود، علم هم می رود. اهمیت عمل را اینجا می شود فهمید؛ اهمیت کار را اینجا می شود فهمید. کار بدون علم، کم اثر است؛ علم بدون کار، بی اثر است. اهمیت کار این است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹).

## ۵- پست ترین و والاترین دانش ها

امیر المؤمنین علیه السلام: أَوْضَعُ الْعِلْمِ مَا وَقَفَ عَلَى اللِّسَانِ، وَ أَرْفَعُهُ مَا ظَهَرَ فِي الْجَوَارِحِ وَ الْأَرْكَانِ  
بی ارزش ترین دانش ها آن است که تنها بر زبان متوقف شود (و در عمل ظاهر نگردد) و پرارزش ترین دانش ها آن است که در اعضا و ارکان بدن آشکار شود. (و دارنده اش آن را در زندگی خود به کار بندد) (حکمت، ۹۲).

علم بالفطره یک کمال برای انسان محسوب می گردد که همواره در جهت دستیابی به آن قدم بر می دارد. اما این طور نیست که همواره انباشته شدن ذهن از یک سلسله مفاهیم کمال محسوب گردد. طبق گفته امیرالمؤمنین علیه السلام ممکن است کسی به اندوخته های علمی و فلسفی فراوانی دست یافته باشد و به عنوان یک دانشمند برجسته شناخته شده باشد. اما به دلیل باقی ماندن علمش در بعد نظری در زمره پست ترین انسان ها باشد و بالعکس شاید انسانی به دانش اندکی دست پیدا کرده باشد اما همواره آن دانش را در زندگی خود اجرا می کند و از آن بالاترین استفاده را می برد که می توان آن را از مفیدترین دانش های انسان نامید.

طبق روایات و حکم عقل، خداوند جاهل بی عمل را زودتر از عالم بی عمل می بخشد و از سوی دیگر چنین عالمی گرفتار خسارت فراوان شده چون اسباب نجات را در اختیار داشته و از آن استفاده نکرده و در واقع شکر این نعمت را بجا نیاورده بلکه کفران نموده است و از سوی سوم چنین عالمی منافق است، زیرا به زبان علومی را بازگو می کند که در عمل به آنها پشت کرده است و از سوی چهارم چنین کسی در میان مردم منفور است، زیرا همه می گویند: اگر این عالم راست می گوید چرا خودش عمل نمی کند و به همین سبب هیچ کس به او اعتماد نخواهد کرد (م. شیرازی، ۱۳۹۵).

انسانی که تمام علم خود را در اعضا و جوارح خود آشکار سازد و در زندگی خود بدان عمل کند حتما مورد احترام مردم قرار می گیرد و نزد خداوند نیز رو سفید خواهد بود. همچنین چنین انسانی سبب جذب افراد به دین اسلام خواهند شد، زیرا زمانی



# هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش  
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان  
مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

که مردم علم افراد را در برخورد، رفتار، اخلاق و... او مشاهده کنند حتما نسبت به دین نظر مثبت پیدا کرده و خود آنان نیز در این جهت قدم بر می دارند.

## ۶- علم همراه با عمل

امام علی علیه السلام در خطبه ۱۱۰ نهج البلاغه می فرماید:

وَإِنَّ الْعَالِمَ الْعَامِلَ بَعْدَ عِلْمِهِ كَالْجَاهِلِ الْحَائِرِ الَّذِي لَا يَسْتَفِيقُ مِنْ جَهْلِهِ، بَلِ الْحُجَّةُ عَلَيْهِ أَكْبَرُ وَالْحَسْرَةُ لَهُ أَلْزَمُ وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَلْوَمُ.

به یقین، عالمی که به غیر علمش عمل می کند، همچون جاهل سرگردانی است که هرگز از جهل خویش بیرون نمی آید؛ بلکه حجت بر او عظیم تر، حسرتش پایدارتر، و سرزنش او در پیشگاه خدا سزاوارتر است!

در این عبارت امام علیه السلام سطح عالم بدون عمل را از یک جاهل عادی کمتر می داند، زیرا او را به یک جاهل سرگشته تشبیه می کند که هیچ امیدی هم به هدایت او نیست. اما اگر همین عالم به علمی که کسب کرده است عمل کند و آن را در برخورد با دیگران، رفتار با کودکان، گفتار خود و... اجرا کند، در آینده دچار حسرت نخواهد شد. تعبیری که امام علیه السلام در خطبه بالا درباره عالم بی عمل و سرنوشت او بیان فرموده، تعبیری بسیار رسا و گویا است. او در عمل همچون جاهل مرکب است که به راه خطا می رود و گاه به آن هم افتخار می کند و در حساب روز جزا و مجازات آخرت و دنیا، کیفر او از همه شدیدتر و مسئولیتش بیشتر و حسابش سنگین تر است.

حدیثی از امام صادق علیه السلام که فرمود: «إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزُلُّ الْمَطْرُ عَنِ الصَّفَا»؛ هنگامی که عالم به علمش عمل نکند پند و اندرز او از دل ها فرو می ریزد همان گونه که باران از سنگ سخت فرو می ریزد (کلینی، ۱۳۷۹).

در خطبی دیگر امام علی علیه السلام می فرماید: الدَّاعِي بِلَا عَمَلٍ، كَالرَّامِي بِلَا وَتَرٍ.

آنکس که مردم را (به نیکی ها) فرا می خواند؛ ولی خود به آن عمل نمی کند مانند کمانداری است که با کمان بدون زه می خواهد تیراندازی کند (خطبه، ۳۳۷).

امام در این خطبه واضح و آشکار بیان می دارند کسانی که مردم را به چیزی دعوت می کنند که خود عمل کننده به آن نیستند هیچ فایده و اثری ندارد. مردم اعتمادشان نسبت به فردی که خود به چیزهایی که می گوید عمل نمی کند تنزل پیدا می کند و سرانجام به مرتبه ای می رسد که هیچ صحبت و نصیحتی از جانب آن فرد در آنان تاثیری ندارد و بالعکس اگر مردم شخصی را ببینند که خود عمل کننده به علم و آگاهی خود است، حتما با گوش و چشم دل، آن سخنان و علوم را دریافت و خود نیز مجری آن علوم خواهند شد. در خطبه ۱۷۵ از امیرمؤمنان علی علیه السلام خطاب به مردم می فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنِّي، وَاللَّهِ، مَا أَحْتَكُمُ عَلَى طَاعَةٍ إِلَّا وَأَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا، وَلَا أَنهَاكُمُ عَنْ مَعْصِيَةٍ إِلَّا وَأَتْنَاهَا قَبْلَكُمْ عَنْهَا؛ ای مردم، به خدا سوگند! من شما را به هیچ طاعتی ترغیب نمی کنم، مگر این که خودم پیش از شما به آن عمل می نمایم و شما را از هیچ معصیتی باز نمی دارم، مگر این که خودم پیش از شما از آن دوری می جویم.

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی دیگر ذکر می کند: «مَثَلُ مَنْ يَعْلَمُ وَلَا يَعْمَلُ كَمَثَلِ السَّرَاحِ يُضِيءُ لِعَيْرِهِ وَيُحْرِقُ نَفْسَهُ» مثل کسی که علم دارد ولی به علمش عمل نمی کند مثل چراغی است که برای دیگری نور می دهد و خود آتش می گیرد (دیلمی، ۱۳۷۱).

## ۷- بحث و نتیجه گیری

با توجه به آنچه گذشت امام علی علیه السلام به عنوان بهترین الگو و سرمشق جامعه بشری، عمل را در کنار علم و علم را نیز در کنار عمل معرفی کرده اند و ایشان عامل اصلی رشد فرد و جامعه را حرکت به سمت اجرای دانسته ها می دانند. امام علیه السلام با مشخص کردن مسیر به انسان ها متذکر می گردند که ما باید به تمام علم و دانسته های خود عمل کنیم تا هم در دنیا و هم در آخرت عاقبت به خیر شویم. امام علی علیه السلام در خطبه ها و حکمت های متعددی به علم اشاره کرده اند و این علم را زمانی سودمند می دانند که عالم به آن علم عمل کند. اگر عالمی به هر دلیلی به دانسته ها و معرفت خود عمل نکند، جایگاهی پایین تر از یک جاهل عادی دارد. زیرا یک جاهل اصلا نمی داند که بدان عمل کند، اما یک عالم بی عمل می داند ولی خود را به خواب زده و بیدار نمی شود.

اگر در تمام جوامع بشری، علم و عمل در کنار هم دیده شوند، بی شک وضعیت بهتر از شرایط حاضر خواهد بود. امروزه قدرت های بسیاری در دنیا وجود دارند که به برخی از موارد آگاهی و علم دارند اما به دلیل آنکه با منافعشان در تضاد است آن را مخفی و پنهان می کنند. کشور های استعمارگر نوین فقط به دنبال منافع خود در دنیا هستند و اگر چیزی برای منافعشان ضرری داشته باشد آن را فراموش یا مخفی خواهند کرد. در کشور های اسلامی، اگر مسئولین به تمام علم و آگاهی کسب شده خود که مبنا و اساس اسلامی و توحیدی داشته باشد، اجرا کنند بی شک زمینه های ظهور آماده می گردد.

بدون تردید اهمیت این موضوع، امام علیه السلام را بر این وا داشته است که این موضوع را برای عالمان آشکار سازد که این عمل است که باعث رشد فرد و جامعه می شود و گرنه علم به تنهایی مانند سکه ای در گنجینه است که هیچگاه از آن استفاده نمی شود، اگر انسانی با این سکه فعالیتی انجام داد که مورد رضای خداوند واقع شد، در آن شرایط می تواند ارزش سکه را بفهمد.

همانطور که قلم در کنار کاغذ معنا و مفهوم پیدا می کند، علم نیز در کنار عمل معنا و مفهوم پیدا می کند و برعکس آن نیز صادق است. زمانی که شما کاغذ گرانبهایی داشته باشید ولی قلمی برای نوشتن نداشته باشید آن کاغذ گرانبها با یک پوست حیوان هیچ تفاوتی ندارد. همواره باید کوشید که علم و عمل در کنار هم باشند تا بتوان زندگی سعادت‌مندانه ای داشت و به حیاط طیبه که هدف نهایی جامعه اسلامی است دست پیدا کرد. در تعلیم و تربیت اسلامی به این نکته نیز باید اشاره کرد، معلم به عنوان الگو برای متری خود همواره باید عمل کننده به حرف های خود باشد، مربی هرچقدر سخنان زیبایی بگوید اما خود به آن ها عمل نکند آن صحبت ها هیچ تاثیری روی فراگیر نمی گذارد و ممکن است تاثیر سو هم داشته باشد. باید تلاش کرد حرف با عمل یکی باشد.

پس از علم و عمل اسرار حل کن  
بقدر علم کرداری ببايد (عطار)

چو علمت هست در علمت عمل کن  
تو را با علم دین کاری ببايد

## منابع

### قرآن کریم

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، (۱۳۸۴). موسسه فرهنگی امیرالمومنین علیه السلام. قم، چاپ دوم

بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، ۱۳۵۹ - ۱۳۷۳ - ۱۳۸۹

دیلمی، حسن بن محمد. (۱۳۷۱). *إرشاد القلوب إلى الصواب*. قم: انتشارات الشریف الرضی

عطار نیشابوری، فریدالدین. (۱۳۹۸). *اسرار نامه*. تهران: نشر سخن. بخش نهم

کلینی(ره)، ثقة الاسلام. (۱۳۷۹). *اصول کافی*. ترجمه حسین استاد ولی، تهران: دارالتحقیق

مجلسی، علامه محمد باقر. (۱۴۰۴). *بحار الانوار*. بیروت: موسسه الوفا. ج ۲۸. ص ۱۷۵

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۸). *نهج البلاغه*. ترجمه آیت الله مکارم. قم: انتشارات علی ابن ابیطالب علیه السلام

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۵). *پیام امام امیر المومنین علیه السلام*. قم: انتشارات علی ابن ابیطالب علیه السلام